



حدود اختیارات دستگاه‌ها و اطلاعاتی در ورود به حریم

خصوصه افراد از منظر فقه امامیه*

مهدی درگاهی**

چکیده

مسئله حفظ مصالح و امنیت نظام اسلامی از عناوین ثانویه‌ای است که به دخالت دستگاه‌های اطلاعاتی در حریم خصوصی افراد، مشروعیت می‌بخشد؛ هرچند این نقض باید به پشتوانه علم اجمالی، در حد ضرورت و بدون افشای اسرار پنهانی افراد صورت گیرد. این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله و تبیین اختیارات نهادهای اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی افراد انجام شده است. نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی با گردآوری داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای میسر شده است.

کلیدواژه‌گان: دستگاه‌های اطلاعاتی، حفظ نظام، حریم خصوصی، حکم ثانوی، فقه امامیه

* این مقاله برگرفته از همایش ملی فقه اطلاعاتی می‌باشد.

Aghigh_0۷۳@yahoo.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر جامعه المصطفی العالمیه عالمیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۹/۱۷

نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی انسان‌ها، حاکی از ترسیم حریم و قلمروی است که از دید و نظارت دیگران در امان باشد و پذیرش این قلمرو از آرزوها و مطالبات عمومی انسان‌ها و در زمره موضوعات کانونی حقوق بشری محسوب می‌شود؛ به طوری که تجسس در حریم خصوصی افراد، در فرهنگ عمومی مطلوب شمرده نمی‌شود.

با تشکیل نظام سیاسی و ایجاد دولت و حکومت، مسائل اطلاعاتی و امنیتی در اداره کشور در عرصه داخلی و خارجی مورد توجه ویژه قرار گرفت؛ چنان‌که دولت‌ها هر چند علنی به تجسسات خود اذعان نمی‌کنند، به این جاسوسی‌ها واقف هستند و معتقدند این تجسس‌ها از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است و بدون آن نمی‌توان مصالح و موقعیت کشور را حفظ کرد.

توجه به سیره برخی بزرگان همچون امیرالمؤمنین علیه السلام، فی الجمله حاکی از مشروعیت کسب اطلاع از برخی اخبار محرمانه برای تأمین مصالح جامعه اسلامی بوده است، تا جایی که در عهدنامه مالک اشتر بیان می‌کند که «عیون»ی را موظف کند تا اخبار محرمانه را به او برسانند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از آنجا که شیعه سالیان متمادی از رسیدن به حکومت و تشکیل نظام سیاسی اسلامی مبتنی بر فقه امامیه محروم بوده، مباحث فقه حکومت از جمله فقه اطلاعات کمتر مورد توجه فقها قرار گرفته است و نظر به اهمیت حفظ حریم خصوصی و حفظ مصالح کشور اسلامی و تأمین نظم و امنیت آن، لازم است با نگاهی به ادله و تبیین محدوده آن، چهارچوبی برای ورود دستگاه‌های اطلاعاتی به حریم خصوصی، از باب تمسک به حکم ثانوی ترسیم شود و حدود اختیارات نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در نقض حریم خصوصی، با توجه به فقه امامیه تبیین گردد تا هرگونه تندروی و کندروی که باعث وهن اسلام می‌شود، صورت نگیرد و این امر با مراجعه به اصول اولیه و پایه‌های علمی مبحث از لابه‌لای متون و منابع فقهی قابل شمارش است؛ هر چند طبعاً قصورها و کمبودهایی وجود دارد و گاه تندروی‌ها و کندروی‌هایی نیز می‌شود که تا حدی قابل اغماض است.

در ادامه، پس از تعریف برخی مفاهیم اصلی، ادله حرمت نقض حریم خصوصی افراد، به‌عنوان حکم اولی، و محدوده آن تبیین و حکم ورود نهادهای اطلاعاتی به حریم خصوصی، بنا بر حکم ثانوی و گستره اختیارات آنها بیان خواهد شد.

مفهوم‌شناسی اصطلاحات

حریم خصوصی

علی‌رغم تأکیدات فراوانی که بر «حریم خصوصی» در مباحث حقوقی و سیاسی - اجتماعی می‌شود، هنوز اندیشمندان این حوزه بر تعریف واحدی توافق نکرده و هر یک تعریفی بیان کرده است. این تعاریف توسط برخی نویسندگان گردآوری و مورد نقض و ابرام قرار گرفته است (ر.ک: اسکندری، ۱۳۸۹ ش). با توجه به تمام مؤلفه‌های یک تعریف نیکو می‌توان در تعریف حریم خصوصی چنین گفت:

حریم خصوصی، آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست (همان).

«خصوصی بودن»، «آزادی از محدودیت‌های حقوقی»، «استقلال انحصاری در تصمیم‌گیری»، «عدم جواز دخالت و نظارت دیگران بر آن» و «خفا یا محرمانه بودن آن و عدم جواز ورود به آن و یا اطلاع از آن، بدون اجازه» از عناصر و مؤلفه‌های این تعریف است که این مؤلفه‌ها به چهار مقوله کلی تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: حریم اطلاعاتی، حریم ارتباطاتی، حریم جسمانی، و حریم مکانی. گاهی حریم جنسی نیز به مقوله‌های یادشده افزوده می‌شود (جلیل قنوتی و دیگران، ۱۳۹۳ ش).

۲. حکم ثانوی

مراد از حکم در فقه «تشریحی است که از طرف خداوند برای منظم ساختن زندگی

انسان صادر شده است» (صدر، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۵۳ و ج ۲، ص ۱۲) و «حکم ثانوی» آن حکمی است که شارع آن را با نظر به حالت خاص و استثنایی جعل می‌کند و در مقابل، «حکم اولی» است که با نظر به مصالح و مفاسد خود موضوع جعل شده است (ر.ک: حائری، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۲۵۳ به بعد).

اصولاً یکی از امتیازات فقه امامیه در مقایسه با مذاهب فقهی دیگر، شناسایی حکم ثانوی در طول حکم اولی است. این حکم شرعی واقعی، موقت و فقط شامل کسانی است که در موقعیت استثنایی قرار می‌گیرند (ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۵۱۱؛ خمینی، سیدمصطفی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۳۲۴؛ صدر، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۲۷۳).

عناوینی همچون اکراه، اضطراب، عسر و حرج، ضرر و اضرار، تقیه و نذر از عناوینی است که موجب جریان حکم ثانوی می‌شود، اما حقیقت آن است که حکم ثانوی منحصر در این عناوین نیست، بلکه عنوانی مثل «مصلحت حفظ نظام» را نیز شامل است.

حفظ نظام

مراد از «نظام»، ساختار عامی است که انسان‌ها با حفظ آن ساختار و تطبیق حرکات خود با آن، به سعادت می‌رسند. مضافاً الیه نظام، «نوع انسانی» است (نظام نوع انسانی)، نه «اسلامی» یا «جامعه اسلامی» و امثال آن (ر.ک: علی‌دوست، ۱۳۸۸: ص ۱۲۵-۱۲۶). در اصطلاح به آن، «نظام عام یا کلان اجتماعی» گفته می‌شود (همان). پس منظور از عباراتی که گفته می‌شود «حفظ نظام واجب است»، «اخلال به نظام حرام است» و «مراعات قوانین و مقررات نظامیه لازم و مخالف با آن ناصحیح است»، اعم از نظام اسلامی و دینی است.

گاهی نیز نظام به معنای «حدود و ثغور یا کیان کشور و سرزمین‌های اسلامی» و «حکومت یا نظام سیاسی اسلام» به کار می‌رود. برجسته‌ترین مفهوم مورد نظر فقها در متون دینی، «نظام اسلام» است و منظور از آن، «سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت اسلام است که معمولاً به بیضه اسلام تعبیر می‌شود و در تعبیر دیگری، شامل

ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴ش: ج ۸، ص ۳۵).

حرمت نقض حریم خصوصی و محدوده آن

حرمت نقض حریم خصوصی در فقه امامیه، با وجود ریشه‌داشتن در منابع فقه، به صورت خاص، مدوّن و مستقل مورد توجه نبوده است و فقها عنوان خاصی در این خصوص تدوین نکرده‌اند، اما در بسیاری موارد و در ابواب مختلف فقهی به تناسب بحث، با توجه به برخی گزاره‌ها از کتاب و سنت، به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند. محتوای این گزاره‌ها در یک دسته‌بندی، به طور خلاصه چنین است:

الف) گزاره‌هایی که در آنها از افراد خواسته شده است که در اسرار دیگران تجسس نکنند، این گزاره‌ها که با واژه «لاتجسسوا» آمده، در کتاب و سنت مورد توجه قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۵۴-۳۵۵، ح ۲ و ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۱، ص ۷، ح ۱، ج ۷۲، ص ۲۵۲، ح ۲۸). یکی از گزاره‌های مهم و شفاف در این زمینه که حاکی از حرمت تجسس با هر انگیزه‌ای است، آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...﴾ (حجرات: ۱۲) است. واژه «تجسس» به معنای تفحص از اموری است که مردم می‌خواهند پنهان بماند (ر.ک: محقق اردبیلی، بی‌تا: ۴۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۸، ص ۳۲۳).

تجسس ممکن است با نیتی فاسد چون هتك، پراکندن فحشا و آزدن مؤمنان و یا صرف آگاهی از احوال دیگران بدون قصدی عقلائی و یا با قصد و انگیزه‌ای سالم باشد. در مورد اخیر نیز ممکن است با غرض و هدفی لازم و ضروری مانند حفظ حکومت در قبال رخنه منافقان، جلوگیری از گسترش انواع فساد اجتماعی اخلاقی، ظاهری و مالی، برطرف‌ساختن زمینه‌های گمراهی و انحراف، آگاهی از چگونگی کارکرد کارگزاران حکومت، باخبر شدن از وجود اختلاس و ارتشا، آگاهی از وضعیت نیروها و تجهیزات

دشمن و ... ، و یا با هدف راجح و با ارزش غیر لازم مانند یافتن افراد صلاحیت‌دار برای اعطای مناصب شایسته به آنها، آگاهی از دانش‌های روز، به‌دست‌آوردن میزان رضایت عمومی از نحوه اداره امور، کشف نیازهای اجتماعی و ... باشد (ر.ک: خرازی، ۱۳۸۰ش). در تمام این موارد، عنوان تجسس صدق می‌کند و با توجه به صدق موضوع، حکم حرمت جاری است.

ممکن است گفته شود سیاق آیه مذکور نشان می‌دهد که حرمت تنها درجایی است که اغراض فاسد در کار باشد؛ چه اینکه پیش از بیان حرمت تجسس، حرمت ریشخند و عیب‌جویی مطرح گردید، منتها آنچه معتبر است، اطلاق حکم در موارد صدق موضوع است و خصوصیت «مورد» نقشی ندارد، حتی با توجه به صدق عنوان تجسس، نمی‌توان ادعا کرد آنچه نهی شده، تجسس در امور «مسلمانان» است و تفحص از امور کافران و منافقان را شامل نمی‌شود و استناد به مفهوم برخی گزاره‌های معتبر روایی (صدوق: ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۳۹، ح ۳۲۸۰)، برای اثبات جواز تجسس از امور مُتجاهر به فسق و در نتیجه «مُلتمز شدن به جواز تفتیش مُتجاهر، در نهایت اشکال [و خدشه] است» (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۷۸)؛ چه اینکه ملاک، صدق عنوان تجسس و اطلاق حکم بر آن است، با هر نوع غرض و انگیزه‌ای باشد. علاوه بر اینکه ادله منحصر به آیه کریمه نیست و سایر ادله از جمله گزارش شیخ کلینی از امام صادق (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۲) اطلاق دارد.

ب) گزاره‌هایی که در آنها از افراد خواسته شده است که بدون اجازه به خانه کسی وارد نشوند (نور: ۲۷-۲۸)، حتی از اهل یک خانه نیز خواسته شده است که در ساعت‌های خاص برای ورود به اتاق پدر و مادر اجازه بگیرند (نور: ۵۸ - ۵۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۶۷، ح ۳؛ صدوق: ۱۴۰۳ق: ص ۱۶۳، ح ۱). مفاد این آیات و روایات مرتبط با آن (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ذیل آیات شریفه)، بر حرمت ورود به حریم خصوصی مکانی و جنسی افراد بدون اذن و اجازه دلالت دارد و از آنجا که این مطلب با جمله «تَسْتَأْنِسُوا» (نه تستأذنوا) از ماده انس گرفته شده، اجازه باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هرگونه

خشونت باشد (مکارم، ۱۳۷۴ش، ذیل آیات شریفه).

ج) گزاره‌هایی که در آنها دفاع در برابر نقض حریم خصوصی افراد، مشروع دانسته شده و خون متجاوز، در صورت جراحت و تلف، هدر اعلام گردیده است. شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام در گزارشی معتبر چنین نقل می‌کند:

أَيُّمَا رَجُلٍ أَطَّلَعَ عَلَى قَوْمٍ فِي دَارِهِمْ لِيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ فَرَمَوْهُ فَفَقْتُوْا عَيْنَيْهِ أَوْ جَرَحُوهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص ۲۹۰، ح ۱)؛

هر مردی به خانه‌های مردم سرک بکشد تا به عورات [و امور پنهان و خصوصی] آنها نگاه کند و آنان به او تیراندازی کنند و چشمش را کور کنند یا او را زخمی کنند، دیه ندارد [و خون او هدر است]

همو در گزارش دیگری از آن امام همام علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي رَجُلٍ أَرَادَ امْرَأَةً عَلَى نَفْسِهَا حَرَامًا فَرَمْتَهُ بِحَجَرٍ فَأَصَابَ مِنْهُ مَقْتَلًا قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ قَدِمْتَ إِلَى إِمَامٍ عَادِلٍ أَهْدَرَ دَمَهُ (همان: ص ۲۹۱، ح ۲)؛

شنیدم امام صادق علیه السلام درباره مردی که قصد کار حرام با زنی را داشت و آن زن به طرف او سنگی انداخت و او را کشت، فرمود: بین آن زن و خدا، چیزی بر او نیست و اگر پیش امام عادل برده شود، خون مرد [متجاوز] را هدر اعلام می‌کند.

در این روایات و احادیث مشابه (همان: ح ۵-۶) مشروعیت دفاع و هدر بودن خون متجاوز به حریم خصوصی، در صورت جراحت و تلف، با حرمت ورود به حریم خصوصی افراد تلازم دارد. بنابراین روایات بر حرمت نقض حریم خصوصی افراد در مصادیق مذکور دلالت دارند (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۴۸۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۲۸، ص ۱۵۶).

البته گزاره‌های دیگری وجود دارد؛ همچون روایاتی که در آنها از افراد خواسته شده تا

«از اسرار خود محافظت و آن را از دیگران حفظ کنند» (صدوق: ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۱۳۹۴)، «اسرار دیگران را فاش نکنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲-۳) و «فاش کردن اسرار، مصداقی برای خیانت و ظلم به صاحب سر است» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۳۷). در این گزاره‌ها به اهمیت حریم خصوصی افراد اشاره شده است، اما استناد به آنها برای اثبات حرمت ورود به حریم خصوصی افراد محل خدشه و اشکال است؛ چراکه «وجوب حفظ اسرار خود از دیگران» و «حرمت فاش کردن اسرار دیگران» تلازمی با حرمت ورود به حریم خصوصی افراد ندارد.

به هرحال در بین ادله سه‌گانه مذکور، تنها دلیل اول از عموم و شمول لازم برای در برداشتن تمام مقوله‌های حریم خصوصی افراد، اعم از حریم اطلاعاتی، حریم ارتباطاتی، حریم جسمانی، حریم مکانی و حریم جنسی، برخوردار است و دلیل‌های دوم و سوم تنها برخی از مقوله‌ها را شامل است. پس ورود به حریم خصوصی افراد و نقض آن با هر انگیزه‌ای، حرام و موجب به خطر افتادن ایمان و مستوجب عقوبت اخروی است و این حکم، شامل حال مؤمنان و مسلمانان، چه به صورت انفرادی و چه در قالب حُکام و دولتمردان، می‌شود. به این مطلب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از آن جمله در اصول ۱۴، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ اشاره گردیده است.

حضرت امام خمینی نیز هنگامی که احساس کرد عده‌ای از عوامل اجرایی حکومت به بهانه‌گزینی افراد، در زندگی خصوصی آنان تفحص و تجسس می‌کنند، در بیست و چهارم آذرماه سال ۱۳۶۱ فرمانی هشت‌ماده‌ای در این زمینه خطاب به مسئولان نظام صادر و آنان را به شدت از این کار منع کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۷، ص ۱۳۹).

حفظ نظام و ضرورت وجود دستگاه‌های اطلاعاتی

صیانت و حفاظت از نظام اسلام و جامعه مسلمین، لازم و واجب است؛ چه اینکه عقل و فطرت سلیم، مراعات مصالح عمومی را ضروری و لازم می‌داند (ر.ک: نجف آبادی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۲۹۸) و بنا بر تلازم حکم عقل و شرع (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع)، واجب شرعی است. شرع مقدس نیز مستقلاً به وجوب حفظ نظام اسلام توجه

کرده و با توجه به احادیث حضرات معصوم (ر.ک: همان: ص ۳۰۰-۳۰۶)، یکی از فرایض مهم الهی برای همگان مخصوصاً برای حاکم اسلامی، حفظ نظام اسلام است (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۱، ص ۴۹۴، ج ۱۵، ص ۳۲۹).

مناطق و ملاک وجوب حفظ نظام، مطابقت آن با «مصلحت عمومی جامعه» است. به عبارت دیگر، حفظ نظام به حفظ مصلحت عام برمی‌گردد؛ چنان‌که اخلال در آن، نادیده گرفتن همین مصلحت است و ربطی به عسر، حرج و اضطرار ندارد. پس حفظ نظام واجب است؛ هر چند به عسر، حرج، اضطرار، ضرورت و ضرر منتهی نگردد. بنابراین تک‌تک افراد جامعه مأمور به حفظ نظام‌اند و از هتک و اخلال آن نهی شده‌اند، چه اخلال، عسر، حرج، اضطرار و ... پیش‌آید یا نیاید (ر.ک: علی‌دوست، ۱۳۸۸ش: ص ۱۲۷).

حفظ نظام اسلام و پاسداری از آن در گرو حفظ حکومت و دولت اسلامی است (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۶۶۵) و حفظ حکومت اسلامی بدون کسب اطلاعات و اخبار در سطح جامعه و بین‌الملل، به حکم عقل و وجدان امکان‌پذیر نیست. حکومت اسلامی با تحت نظرگرفتن کارگزاران و مأموران حکومت، از کردار آنان پنهانی مراقبت می‌کند چه اینکه نظارت بر اعمال آنان، موجب مهار قدرت به منظور تأمین حقوق و آزادی‌های عمومی است. حکومت اسلامی با کسب اخبار و آگاهی‌های کافی درباره اوضاع، تحرکات و تلاش‌های دولت‌ها و ملت‌های بیگانه، قرار و مدارها و برنامه‌های ضد اسلامی و نظامی آنان را رصد می‌کند و با تلاش و کوشش جدی در گردآوری اخبار و گزارش‌های مربوط به جاسوسان، احزاب سزی، تحرکات مخالفان حکومت اسلامی و اهل نفاق و توطئه‌های آنان در داخل حکومت اسلامی، اسباب غلبه و پیروزی بر دشمنان اسلام را فراهم می‌سازد و بدین‌گونه موجب حفظ نظام اسلام می‌شود. حکومت اسلامی با کسب اخبار از اوضاع و احوال توده‌های مردم و جریانات جامعه، از نیازها، نابسامانی‌ها و کمبودهای آنان اطلاع پیدا می‌کند و در صدد رفع آنها برمی‌آید.

علاوه بر اینکه عقل و وجدان ضرورت این تجسس‌ها و تفحص‌ها را درک می‌کند،

مطالعه سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در اداره حکومت اسلامی و گوشزد کردن آن به والیان و استانداران خود که در منابع تاریخی و روایی نقل شده و برخی (نجف آبادی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۳۰۹-۳۷۲) آن را گردآوری کرده‌اند، لزوم بازرسی و تجسس را در حکومت اسلامی به منظور حفظ نظام اسلام را آشکار می‌سازد.

کسب اطلاعات و اخبار و فعالیت‌ها و عملیات‌های اطلاعاتی و امنیتی، تنها با نظارت نهادها و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی و تحت اشراف حاکم اسلامی یا نماینده او برای حکومت اسلامی ضرورت دارد تا آن‌گونه اقدامات و فعالیت‌ها، موجب آشفتگی و هرج و مرج نشود. سیره همیشگی مسلمانان که در منظر حضرات معصوم علیهم السلام بوده است، حاکی از وجود چنین نهاد‌های ویژه‌ای برای حاکمان است (همان).

تبیین و تقریر فقهی حکم مشروعیت ورود دستگاه‌های اطلاعاتی به حریم خصوصی اشخاص

رفتارها و اعتقادات افراد، سه‌گونه است: یا کاملاً شخصی است و به‌هیچ‌وجه جنبه اجتماعی ندارد، یا می‌تواند اثر اجتماعی داشته باشد، ولی شخص می‌کوشد تا رفتار یا باورش هرگز اثر اجتماعی نداشته باشد و حتی مانع از تسری آثار آن بر جامعه می‌شود، و یا از باب آثار و نتایج و یا ذات عمل و ماهیت آن، جنبه عمومی و اجتماعی دارد. ورود دستگاه‌های اطلاعاتی به صورت‌های دوم و سوم، گاهی همراه با ورود به باور و رفتاری است که کاملاً جنبه شخصی دارد و از باب مقدمه، گریزی هم از آن نیست.

حکم ورود به حریم خصوصی افراد با دو تقریر چنین تبیین می‌شود:

تقریر اول: برای کسب اخبار و کشف برخی حقایق پنهان، در جایی که مصلحت تجسس و تفحص از حریم خصوصی افراد، از مفسده آن مهم‌تر باشد، قانون «لزوم تقدیم اهم بر مهم» جاری است. در تراحم میان حرام بودن تجسس و ورود به حریم خصوصی افراد و وجود مصلحت دیگر، معیار، «اهم» بودن دلیل است (مشکینی: ص ۸۷). پس آنچه مهم‌تر است، پیش می‌افتد (خویی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۲۷۸).

ادله حرمت ورود به حریم خصوصی افراد، هنگام تزامم با ادله حفظ نظام اسلام و مراعات مصلحت عمومی جامعه، به مرحله فعلیت نمی‌رسد و در مرحله «شأنی» باقی می‌ماند. همین امر باعث می‌شود تا دستگاه‌های اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی افراد با توجه به مورد و تشخیص اهمیت آن، به تجسس و تفحص از باورها و رفتارهای اشخاص اقدام کنند و این امر نه تنها جایز و مشروع، بلکه در برخی موارد که بستگی به میزان اهمیت آن دارد، واجب و ضروری است (ر.ک: خرازی، ۱۳۸۰ش). اصل «هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند»، نمود و مصداقی از قانون «اهم و مهم» است و با دقت می‌توان قانون مزبور را در آن اصل ملاحظه کرد (ر.ک: علی‌دوست، ۱۳۸۸ش: ص ۴۵۳). به عبارت دیگر، حفظ نظام و پاسداری از آن از اموری است که شارع مقدس راضی به ترك و اهمال در آن نیست. به همین دلیل در تزامم با هر دلیل حرمتی از جمله ادله حرمت ورود به حریم خصوصی، دلیل حرمت از فعلیت خارج می‌شود و ارتکاب آن دیگر حرام نیست.



البته توجه به عنوان «حفظ نظام» سبب می‌شود تا علاوه بر این تبیین و تطبیق مسئله بر تزامم و تقدیم اهم بر مهم در مقام امتثال، تبیین دیگری مطرح شود که توجه به آن با عنایت به ادله وجوب حفظ نظام خالی از قوت و اعتبار نخواهد بود.

تقریر دوم: همان‌طور که گفته شد، حفظ نظام به مصلحت عام برمی‌گردد و تک‌تک مردم جامعه مأمور به حفظ نظام و از هتک و اخلال آن نهی شده‌اند، چه اخلال، عسر، حرج، اضطراب و ... در پی داشته باشد یا نداشته باشد.

از بارزترین عوامل حفظ نظام اسلامی آن است که در جامعه اسلامی همگان به احکام اسلام عمل کنند. برای مثال، همگان در وهله اول به رعایت حرمت تکلیفی تجسس و تفحص از امور پنهانی یکدیگر و به اصطلاح به رعایت حرمت ورود به حریم خصوصی افراد، مکلف هستند و عدم رعایت و امتثال این حکم، موجب اخلال نظام خواهد بود.

حال اگر در مواردی حفظ نظام در گرو نقض برخی از احکام ابتدایی و اولیه اسلام باشد و یا عمل به آن احکام در شرایط ویژه و خاص، به اخلال نظام منجر شود، حکم

شرعی اسلام از عنوان حکم اولی به حکم ثانوی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی حرمت تجسس و تفحص و عمل مطابق آن، موجب اخلال نظام شود و مصلحت عمومی جامعه این باشد که دستگاه‌های اطلاعاتی، حریم خصوصی برخی افراد را نقض کنند، این تغییر عنوان، موجب تغییر حکم اولی حرمت تجسس و تفحص از حریم خصوصی افراد، به حکم ثانوی جواز و در بعضی فروض، واجب خواهد شد.

اگر دستگاه‌های اطلاعاتی و نهادهای امنیتی، در برخی موارد با توجه به تحقیقات میدانی، علم اجمالی بر ارتکاب و تحقق عمل یا حادثه‌ای یافتند، تهیه اخبار و کسب اطلاعات تفصیلی‌تر بدون ورود به حریم خصوصی تمام افراد در طرف شبهه علم اجمالی امکان‌پذیر نیست و هرچند ورود به حریم خصوصی افراد، به حکم اولی حرام است، اما «حفظ نظام»، عنوانی است که می‌تواند ما را به حکم ثانوی ورود به حریم خصوصی افراد که همانا جواز بلکه در مواردی ضروری واجب است، رهنمون شود؛ چنان‌که امام خمینی فرمودند: «... [جاسوسی] برای حفظ اسلام و حفظ نفوس مسلمین واجب است» (امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۵، ص ۱۱۶).

محدوده جواز ورود دستگاه‌های اطلاعاتی به حریم خصوصی افراد

از آنجا که ورود دستگاه‌های اطلاعاتی به حریم خصوصی افراد در فقه امامیه با شناسایی حکم ثانوی در فرض حفظ نظام تبیین و توجیه می‌شود، باید منوط به علم اجمالی به وجود منکر و در حد ضرورت باشد. وقتی نهادهای اطلاعاتی به منظور حفظ نظام، بنا بر حکم ثانوی، به تجسس و تفحص از حریم خصوصی افراد می‌پردازند، باید این عمل آنها مستند به علم باشد؛ ولو اجمالی. به عبارت دیگر، ضرورت یا مصلحت حفظ نظام تنها وقتی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که محدوده افرادی که ناگزیر باید تحت کنترل و تجسس نهادهای اطلاعاتی قرار گیرند، به حسب اهمیت موضوع، به علم اجمالی مشخص باشد. بنابراین تنها در همین محدوده می‌توان به حکم ثانوی جواز یا لزوم ورود به حریم خصوصی افراد استناد کرد و مجرد احتمال و گمان، بدون علم به ضرورت و مصلحت، در ورود به حریم خصوصی گروهی از افراد، خلاف حکمت جعل حکم ثانوی در

عناوین ثانوی است. برای مثال، وقتی به علم اجمالی حفظ نظام، منحصر در کنترل گروهی از شهروندان تهرانی باشند، حکم ثانوی جواز یا لزوم بنا بر اهمیت موضوع، برای کنترل شهروندان دیگر شهرها جاری نیست و تجسس و تفتحص از حریم خصوصی در این محدوده با احتمال و گمان جایز نیست و اگر مأموران اطلاعاتی چنین کنند، فاسق و گناهکار خواهند بود؛ چون عملکرد ایشان فاقد مجوز شرعی است. کلام امام خمینی در بند ششم از فرمان هشت ماده‌ای صادرشده در سال ۱۳۶۰، به همین مطلب اشاره دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۷، ص ۱۳۹).

گستره جواز نقض حریم خصوصی افراد علاوه بر استناد به علم اجمالی، باید در حد ضرورت صورت پذیرد و بر بیش از آن مقدار، عنوان ثانوی مشکوک و حکم ثانوی جواز یا وجوب تجسس از حریم شخصی افراد، مشکوک و اصل بر عدم آن است. کسب اخبار و کشف فساد با ورود به حریم خصوصی افراد باید مرحله به مرحله صورت گیرد و هنگامی که می‌توان با در نظر گرفتن حریم اطلاعاتی و حریم ارتباطاتی محل کار و امور خارج از منزل شخصی او به جوانب مسئله مورد نظر دستگاه‌های اطلاعاتی پی‌برد، ورود به حریم خانه شخصی او که با نقض حریم خصوصی افراد دیگری مثل همسر و فرزندان او همراه است، ضرورتی ندارد و حکم ثانوی جواز تجسس منتفی است. بله، شکی نیست که اگر ضرورت این کار در مواردی تشخیص داده شود، برای حفظ و صیانت از نظام می‌توان به حریم جسمانی و حریم مکانی او و حتی خانواده او نیز وارد شد.

البته این ورود به حریم خصوصی افراد به هیچ وجه نباید موجب اشاعه فحشا و آشکارشدن اسرار و عیوب پنهانی و شخصی مردم شود. این محدودیت در جواز ورود به حریم خصوصی، از باب حکومت ادله و عمومات فوقانی است که لسان آن، آبی از هرگونه تقیید است. در قرآن کریم درباره اشاعه فحشا چنین آمده است:

﴿انَّ الَّذِینَ یَجْبُونُ اَنْ تَشِیعَ الْفَاحِشَةُ فِی الدِّینِ اَمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ فِی

الدنیا و الآخرة، والله یعلم و انتم لا تعلمون﴾ (نور: ۱۹)؛



آنان که دوست دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند، آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و خدا (فتنه‌گری و دروغشان را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

اشاعه فحشا، منحصر در متهم‌سازی دیگران به تهمت و دروغ بی‌اساس و نشر آن نیست. این تعبیر مفهوم وسیعی است که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبایح و کمک به توسعه آن را شامل می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ مکارم، ۱۳۷۴ش، ذیل آیه شریفه). این مضمون در جوامع حدیثی نیز با تعابیر «اسرار دیگران را فاش نکنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲) و «فاش کردن اسرار، مصداقی برای خیانت و ظلم به صاحب سر است» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ص ۳۵۷) تأکید شده است و چه بسا در آیه شریف مراد از عذاب دنیوی دردناک، اشاره به حدود و تعزیرات شرعی و واکنش‌های اجتماعی و آثار شوم فردی فاش کردن فحشا باشد.

هنگامی که نهادهای اطلاعاتی، در مسئله‌ای خاص، برای کسب اخبار و تهیه اطلاعات به حریم خصوصی افراد وارد می‌شوند، ممکن است از خطا، اشتباه و منکر دیگری که مورد تحقیق و تفحص نبوده، مطلع شوند. البته وجود اشتباهات دیگر در حریم خصوصی غالب افراد، به علت ضعف، نقص، آلودگی نفس است که در این صورت، اشاعه آن عیوب نیز جایز نیست و هتک حرمت مسلمان را همراه دارد و علاوه بر عذاب اخروی، موجب حد یا تعزیر شرعی دنیوی است.

در نامه ۵۳ نهج البلاغه، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی ضرورت تفحص و تجسس در اعمال کارگزاران و مأموران حکومتی را مطرح و با تعبیر «وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَ فِي السِّرِّ لَأَمْرِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ»، دستور کنترل اعمال و رفتار کارگزاران را صادر می‌کند و آن را مایه امانت‌داری و مهربانی به رعیت بر می‌شمارد، آن حضرت در ادامه می‌نگارد: «فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا لِوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا...؛ مردمان عیوبی دارند که حاکم در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس نباید آنچه را پنهان است، آشکار گردانی».

این کلام حضرت علی علیه السلام، حکایت از آن دارد که در ورود دستگاه‌های اطلاعاتی حکومت به حریم خصوصی افراد که برای حفظ نظام و بنا بر حکم ثانوی آن است. نباید عیوب نهان مردم برای بقیه افراد جامعه فاش شود و آبرو و حرمت مومن هتک گردد. امام خمینی نیز در بند پنجم از فرمان هشت ماده‌ای به این مسئله در کلامی گویا و شیوا اشاره می‌کند:

مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام ... با آلت لهو و آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی... برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چراکه اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید (امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۱۷، ص ۱۳۹).

نتیجه‌گیری

ورود به حریم خصوصی افراد در فقه امامیه به حکم اولی، حرام و عمل به این حکم برای حفظ نظام اجتماعی بر آحاد مردم، واجب و لازم است و دولتمردان وظیفه سنگین‌تری نسبت به دیگران در حفظ حرمت و حریم دیگران دارند. حال اگر ضرورت یا مصلحت حفظ نظام در مواردی اقتضا کند که همین حکم نقض گردد، با تغییر عنوان، ورود به حریم خصوصی افراد به حکم ثانوی جایز و در برخی فروض واجب است.

ورود نهادهای اطلاعاتی به حریم خصوصی افراد باید با علم اجمالی به افراد مورد نظر باشد. به عبارت دیگر، برای کسب اخبار و تهیه اطلاعات فقط حریم خصوصی همان افرادی که اجمالاً علم به ارتکاب خلاف آنان داریم، نقض گردد. از این رو با گمان و احتمال نمی‌توان حریم خصوصی افراد نقض کرد. پس این افراد باید معلوم بالاجمال باشند و با توجه به عنوان ثانوی حفظ نظام، این نقض باید به حد اقتضای ضرورت باشد و چنانچه دستگاه‌های اطلاعاتی از عیوب پنهانی دیگری غیر از آنچه مورد تجسس و تفحص است، اطلاع یافتند، حق افشای آن را ندارند و موظف به حفظ اسرار آنان از سایر افراد جامعه‌اند، والله العالم المتعال و الحمد لله رب العالمین.

پی‌نوشت‌ها

۱. علاوه بر اسناد نقلی و روایی این قاعده (بقره: ۲۱۹؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳ و ج ۱۷، ص ۲۱۶، ح ۱۱)، سند عقلی این قاعده چنین است: بدون تردید تشریح و تکوین با یکدیگر رابطه دارند و آنچه در تکوین وجود دارد و مورد نظر شارع نیز است، نمی‌تواند در تشریح منعکس نشود و تشریح و استنباط بدون لحاظ آن صورت پذیرد و پرواضح است که تفاوت مراتب مصالح باعث می‌شود که در تقنین، طبق قاعده تقدیم اهم بر مهم عمل کنیم.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹ش)، «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۵۸.
 ۲. امام خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۸۵ق)، الرسائل، انتشارات اسماعیلیان، قم.
 ۳. _____ (۱۴۱۵ق)، المکاسب المحرمه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، قم.
 ۴. _____ (۱۴۰۳ق)، تحریر الوسیله، اعتماد، تهران.
 ۵. _____ (۱۳۷۸ش)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، قم.
 ۶. بروجردی، سیدحسین (۱۴۱۲ق)، الحاشیه علی کفایة الاصول، نشر انصاریان، قم، چاپ اول.
 ۷. حائری یزدی، شیخ عبدالکریم (۱۴۱۸ق)، دررالفوائد، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ ششم.
 ۸. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم.
 ۹. خرازی، سیدمحسن (۱۳۸۰ش)، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ش ۲۶.
 ۱۰. خمینی، سیدمصطفی (۱۴۱۸ق)، تحریرات فی الأصول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، چاپ اول.
 ۱۱. خویی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۲۰ق)، اجود التقریرات، تقریرات محقق نایینی، انتشارات مصطفوی، قم.
 ۱۲. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، دفتر آیت الله سبزواری، قم، چاپ چهارم.
 ۱۳. صدر، سیدمحمد باقر (۱۴۱۸ق)، دروس فی علم الاصول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ پنجم.
 ۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
 ۱۵. _____ (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
 ۱۶. طباطبایی سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
 ۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
 ۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، دارالتفاهه، قم.
 ۱۹. علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸ش)، فقه و مصلحت، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
 ۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴ش)، قواعد فقه سیاسی (مصلحت)، امیرکبیر، تهران.
 ۲۱. فتواتی، جلیل و دیگران (۱۳۹۳ش)، «میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ش ۲.
 ۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
 ۲۳. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبدة البیان فی احکام القرآن، مکتبه الجعفریه لإحياء الآثار الجعفریه، تهران.
 ۲۴. مشکینی، علی (۱۴۱۳ق)، اصطلاحات الأصول، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
 ۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق)، بحوث فقهیه هامة، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم.
 ۲۶. _____ (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
 ۲۷. نجف آبادی، حسین علی منتظری (۱۴۰۹ق)، مبانی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، مؤسسه کیهان، قم.